

## کیفر سقط جنین و ضرورت اصلاح ماده ۶۲۲

### قانون مجازات اسلامی

امیر وطنی<sup>۱</sup>

**چکیده:** صورتهای مختلف سقط جنین و کیفر آن در حقوق جزای ایران و تبیین مابین فقهی کیفر مربوطه و رفع بعضی ابهامات از قانون مجازات اسلامی، موضوع مقاله‌ای است که پیش رو دارید. اصولاً سقط جنین از بدو بارداری در حقوق ایران به پیروی از فقه امامیه ممنوع بوده و مسئولیت مدنی و جزائی دارد، به گونه‌ای که حتی در مواردی چنان که از ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی و صریح ماده ۹۱ قانون تعزیرات سابق برمی‌آید، برای مرتکب آن قصاص نیز در نظر گرفته شده است. نگارنده معتقد است که با توجه به منابع معتبر اسلامی و فتاوی بعضی از فقهای عظام کیفر قصاص برای سقط جنین عمدی روا نیست و در این مورد باید کیفر یاد شده تعدیل و تجدید نظر اساسی در ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی صورت گیرد. به خصوص که اجرای چنین مجازاتی یعنی قصاص در مقابل سقط عمدی مخالف مصالح اجتماعی بوده و هدفی که حقوق از تشریح قوانین دنبال می‌کند، یعنی؛ برقراری امنیت، نظم عمومی، اجرای عدالت و انصاف را تأمین نکرده و فقه ما را که به قول حضرت امام راحل «... تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است» [صحیفه امام ج ۲۱: ۲۸۹] خشن نشان می‌دهد. این مقاله با چنین خواستی و به امید اصلاح ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی تنظیم شده است.

**کلیدواژه:** فقه، حقوق، جنین، حمل، سقط، اجهاض، سقط عمدی، قصاص.

### مفهوم جنین، حمل و سقط آن

از ترکیب نطفه مرد (اسپرم) با تخمک زن (اوول)، موجود زنده جدیدی پدید می‌آید که به آن جنین (Fetuse) گویند. این موجود جدید که منشأ پیدایش انسان است، معمولاً پس از ۷ ساعت و

---

۱. استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تربیت معلم.

نهایتاً ۲۴ ساعت پس از نزدیکی هستی می‌یابد و حدود ۳۰ ساعت پس از لقاح به مرحله دوسلولی رسیده و با ادامه تقسیمات سلولی، تعداد سلول‌هایش افزایش یافته و در روز سوم پس از لقاح تعداد سلولها بالغ بر ۱۶ عدد خواهد شد.

تخمک بارور شده بدین سان رو به تکامل است ولی مشخص نیست که منجر به انسان شود زیرا تخمین زده می‌شود که ۵۰٪ تمام حاملگیها، در مراحل ابتدایی حاملگی یعنی دو تا سه هفته پس از لقاح و قبل از اینکه زن از بارداری خود مطلع شود منجر به سقط خود به خودی شوند [سالدر ۱۳۶۷: ۴۱ و ۴۲].

هفته چهارم تکامل، قلب رویان (موجود جدید) شروع به تپیدن می‌کند و اندامها و دستگاههای مهم بدن انسان تا هفته هشتم تشکیل می‌شود، در ماه پنجم تمامی اندامها تشکیل و حتی ابروها و موی سر نیز قابل مشاهده‌اند، در طی این ماه معمولاً حرکات جنین توسط مادر به خوبی قابل درک است [سالدر ۱۳۶۷: ۶۸ و ۸۹ و ۹۵]. در کتب فقهی و روایی از این مرحله یعنی چهارماه و نیم یا پنج ماهگی و محسوس شدن حرکات جنین برای مادر تعبیر به ولوج روح شده است [جبعی‌العاملی ج ۱۰: ۲۹۳]. در حدیثی از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: «... اذا مضت خمسة اشهر فقد صارت فيه الحياة...» [عاملی ج ۱۹: ۲۴۰]، یعنی بعد از پنج ماهگی حیات (روح) در آن حلول می‌کند.

جنین در ماه ششم یا نیمه اول ماه هفتم به درجه ای از تکامل جسمانی می‌رسد که اگر در این زمان متولد شود، می‌تواند با مشکلات فراوان زنده بماند. در صورتی که جنین روال طبیعی خود را طی کند، بالاخره ۲۶۶ روز یا ۳۸ هفته پس از لقاح [سالدر ۱۳۶۷: ۹۵] (۹/۵ ماه) به طور تکامل یافته و درحالی که به طور مستقل قابلیت حیات دارد به صورت انسانی زنده از مادر متولد می‌شود. بنابراین «مبدأ جنین ابتدای آبستنی است و انتهای آن لحظه ماقبل ولادت می‌باشد» [جعفری لنگرودی: ۲۰۱].

اگر چیزی مانع این رشد و تکامل طبیعی گردد و جنین حیات خود را از دست بدهد، مادر دچار خونریزی شده، جنین افتاده و سقط می‌گردد، به عبارت دیگر سقط جنین (Abortion) اتفاق می‌افتد. البته گاهی نیز جنین زنده به دنیا می‌آید لکن قابلیت حیات و بقاء را نداشته، فوت می‌کند، به این مورد نیز عرفاً سقط جنین گویند [جعفری لنگرودی: ۲۰۱].

وجه تسمیه این موجود به جنین که از «اجتنان» به معنی مستور بودن مشتق شده است، آن است که این موجود جدید در رحم زن پنهان شده است [جبعی العاملی ج ۱۰: ۲۹۸]، همچنین به آن حمل نیز گفته می‌شود زیرا به منزله باری است که مادر حمل می‌کند.

### انواع و اقسام سقط

در حقوق جزای ایران و به پیروی از فقه امامیه [امام خمینی ۱۳۹۰ ج ۲ مسأله ۱۰: ۵۹۸] سقط جنین ممکن است مانند سایر جنایات وارد بر انسان به سه صورت عمد، شبه عمد و خطای محض اتفاق بیافتد و ملاک عمد و خطایی بودن آن نیز همانند سایر جنایات است. این ملاکها در مواد ۲۰۶، ۲۹۵ و ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی عنوان شده است.

در موارد خطای محض و شبه عمد، چه جنین روح پیدا کرده باشد و چه نکرده باشد، دیه ثابت است که حسب مورد عاقله جانی یا خود او شخصاً می‌پردازند (ماده ۴۹۲)، اما حکم سقط جنین عمدی در قوانین جزائی ایران چیست؟

### کیفر سقط جنین عمدی در قوانین جزائی ایران

جرائم علیه تمامیت جسمانی از قبیل قتل و جرح از موضوعاتی است که قانونگذار سخت به آن اهتمام داشته و برای جلوگیری از وقوع آن و نیز جبران صدمات و خسارات وارده، احکامی را مقرر کرده است، اما آیا همه این قوانین و قواعد در مورد جنایات وارد بر جنین و سقط آن نیز جاری می‌شود، مسلماً پاسخ منفی است، زیرا هر چند که جنین منشا انسان است و به خصوص در اواخر دوران حاملگی صورت انسانی به خود می‌گیرد و شاید بتوان لفظ «انسان» را بر او اطلاق کرد اما تا زمانی که مراحل تکامل خود را طی نکرده و متولد نشده است، انسان کامل و مستقلی نیست، به مادر خود متصل است و بسان عضوی از اعضای اوست و بدون او قادر به ادامه حیات خود نیست و از همین رو شاید اطلاق لفظ «انسان» بر او صحیح نباشد، به جهت این ویژگی دوگانه «سقط جنین یا حمل» احکام و قوانین خاص خود را دارد که از جهاتی با جنایات وارد بر «انسان متولد شده» مشابه و از جهاتی نیز متفاوت است.

کیفر و مجازات در اینجا با توجه به شخص جانی، حالات مختلفی خواهد داشت، زیرا جانی یا خود مادر است و یا غیر او، در حالت اخیر غیر مادر به طور عمدی مباشرت به اسقاط جنین کرده که یا این کار را از طریق ضرب و شتم و اذیت و آزار زن حامله انجام داده و یا به دنبال درخواست مادر و تمکین وی در مقابل او با دادن دارو و وسائل دیگر، اقدام به سقط نموده است و فرد مرتکب، یا پزشک، ماما و داروفروش می‌باشد و یا از افراد عادی است. کیفر سقط در هر یک از حالات فوق با دیگری متفاوت است که مجموعاً چهار صورت پیدا می‌کند که به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱) جانی خود مادر است، مثل آن که با پریدن، خوردن دارو و امثال آن اقدام به پایان دادن به دوران بارداری می‌کند، چنین سقطی چه قبل از ولوج روح و چه بعد از آن، در هر حال مجازات‌هایی از قبیل حبس، شلاق یا جزای نقدی نداشته و تنها مادر به پرداخت دیه محکوم خواهد شد. ماده ۴۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ می‌گوید: «هرگاه زنی جنین خود را سقط کند، دیه آن را در هر مرحله ای که باشد، باید بپردازد و خود سهمی از آن دیه نمی‌برد».

مطابق ماده ۶۲۳ کسانی هم که مادر را در این امر عالمماً و عامداً معاونت و یاری کرده و او را دلالت به استعمال دارو یا وسائل دیگری نمایند به ۳ تا ۶ ماه حبس محکوم خواهند شد، مگر اینکه ثابت شود اقدام ایشان، برای حفظ حیات مادر بوده است.

اگر اقدام زن با رضایت شوهر و معاونت او باشد، بدین معنی که مشوق او بوده و او را در این امر با پرداخت هزینه و امثال اینها یاری کرده باشد، حکم مسأله چه خواهد بود؟ این مورد، شایعترین مورد سقط جنین در کشور است که معمولاً به منظور کنترل جمعیت صورت می‌گیرد، در اینجا نیز مطابق ماده ۴۸۷ مادر باید دیه بدهد و سهمی از آن دیه نمی‌برد، شوهر او نیز به جهت معاونت در سقط مطابق ماده ۸۸۰ قانون مدنی و ملاک ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی سهمی از آن نخواهد داشت، بنابراین اولیای دم، وراث طبقه دوم می‌باشند که در صورت مطالبه، دیه به ایشان پرداخت خواهد شد.

بلی اگر معاونت پدر به نحوی باشد که مصداق ماده ۶۲۳ شود، به مجازات یاد شده در آن ماده نیز محکوم خواهد شد.

در اینجا جالب است بگوییم، پیش از انقلاب اسلامی به تقلید از حقوق فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی و براساس ماده ۱۸۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ برای زنی که اقدام به سقط جنین خود کرده بود، یک تا سه سال حبس در نظر گرفته می‌شد. هم اکنون نیز در اکثر کشورهای جهان برای مادری که اقدام به سقط نموده مجازات حبس در نظر گرفته می‌شود. به هر حال آنچه مسلم است، در قوانین موجود برای زن حامله‌ای که به منظور سقط جنین به پزشک، قابل یا افراد دیگر مراجعه می‌کند و نسبت به عملیات مجرمانه‌ای که توسط این افراد در مورد وی، به طور مستقیم انجام می‌گیرد تمکین می‌کند، به جز دیه، مجازات کیفری پیش بینی نشده است. ولی آیا به عنوان معاونت در جرائم (موضوع ماده ۶۲۳ و ۶۲۴) مجازاتی برای او در نظر گرفته نشده است؟ زیرا ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی اعمال مجازات را در جرائم تعزیری مجاز دانسته است.

باید در جواب بگوییم، به نظر ما چنین مادری را نمی‌توان به جهت معاونت در عملیات سقط مجازات نمود، زیرا درست است که چنین زنی به جهت پرداخت پول، تشویق و بالاخره تمکین در مقابل ماما و تسهیل جنایت توسط او، مطابق ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی معاون محسوب می‌شود و طبق ماده ۷۲۶ هر فردی که در جرائم تعزیری معاونت نماید، حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می‌شود و مجازات ماده ۶۲۳ و ۶۲۴ نیز به شهادت ذکر آن‌ها در کتاب تعزیرات، یک مجازات تعزیری است و در نتیجه چنین مادری باید به حداقل مجازات که دو سال حبس می‌باشد محکوم شود، ولی ماده ۴۸۹ زنی را که اقدام به سقط جنین کرده فقط به دیه محکوم می‌کند و مجازات حبس را برای او که مباشر بوده در نظر نگرفته است، بنابراین چگونه می‌توان گفت که اگر مادر بالمباشره اقدام کرده باشد، حبس ندارد، اما اگر معاونت نموده باشد دو سال حبس دارد، زیرا معاونت به طریق اولی نباید حبس داشته باشد. بنابراین روح قانون و اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی، مقتضی عدم مجازات وی هستند.

### مبانی فقهی ماده ۴۸۹

مفاد ماده ۴۸۹ برگرفته از فقه امامیه است [امام خمینی ۱۳۹۰ ح ۲ مسأله ۵: ۵۹۸]. برای آشنایی با مبانی فقهی این ماده و حکم تکلیفی سقط جنین و نیز احکام وضعیه‌ای که به دنبال سقط مطرح می‌شود، لازم است به منابع استنباط احکام، نظری داشته باشیم که عبارتند از:

الف. کتاب: بعضی بر حرمت سقط جنین توسط والدین به آیاتی از قرآن استناد کرده اند [مکارم شیرازی ج ۶: ۳۴]، که در این جا مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱- «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا» [اسرا: ۳۱] و فرزندان خود را به خاطر ترس از فقر نکشید، ما شما و آنها را روزی می‌دهیم، به یقین کشتن آنها گناه بزرگی است.

۲- «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ» [انعام: ۱۵۱] فرزندان را از فقر نکشید ما شما و آنها را روزی می‌دهیم.

البته به نظر ما هیچ یک از این آیات بر حرمت سقط جنین دلالت ندارند. زیرا موضوع این آیات «قتل اولاد» است نه «سقط جنین» و «قتل اولاد» هم غیر از «سقط جنین» است. زیرا «اولاد» که جمع «ولد» است از ماده «ولادت» می‌باشد، بنابراین به فرزند انسان مادامی که در رحم است، حقیقتاً ولد گفته نمی‌شود زیرا هنوز ولادت و زایمان صورت نگرفته است، آری بعد از ولادت و زایمان به آن ولد گفته می‌شود و سلب حیات او قتل است، ولی سلب حیات از جنین تا زمانی که در رحم است سقط، اسقاط و اجهاض است نه قتل.

۳- نیز استناد شده است [شریعتی: ۸۵] به آیه «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» [تکفیر: ۷ و ۸] و هنگامی که از دختران زنده به گور شده سؤال می‌شود که شما بی گناهان، به چه جرم و گناه کشته شدید.

به نظر ما نمی‌توان حرمت سقط جنین را از این آیه استفاده کرد، زیرا موضوع آن به قرینه شأن نزول آیه و واژه «قتل» که غیر از «سقط» و «اجهاض» می‌باشد، طفلی است که از مادر متولد شده است نه جنین.

روایتی نیز برداشت ما را تأیید می‌کند و صراحت در این معنی دارد که به عنوان شاهد آورده می‌شود، آن روایت چنین است:

«روی ان الصحابه اختلفوا فی المؤودة ما هی؟ وهل الاعتزال وأد؟ وهل اسقاط المرأه جنینها عمداً وأد؟ فقال علی<sup>(ع)</sup> أنها لا تكون مؤودة حتی یأتی علیه التارات السبع، فقال له عمر صدقت اطال الله بقاءك» [مقداد سیوری ج ۲: ۳۷۵ و ۲۳۴]. روایت شده است که صحابه در مورد معنای المؤودة - زنده به گور شده - اختلاف نظر پیدا کردند و اینکه آیا بیرون ریختن منی، «وَأد» - زنده به گور کردن - محسوب می‌شود؟ و آیا اسقاط جنین توسط زن به صورت عمدی زنده به گور کردن است؟ امام علی<sup>(ع)</sup> فرمودند: اسقاط جنین توسط زن، زنده به گور کردن محسوب نمی‌شود تا اینکه طبقات (مراحل) هفت گانه بر او برآید.

فاضل مقداد در معنای روایت گوید: مراد حضرت علی<sup>(ع)</sup> از «التارات السبع» طبقات و مراحل هفت گانه خلقت است که در آیه «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» [مؤمنون: ۱۳] وارد شده است، پس حضرت با این عبارت اخیر اشاره کردند به اینکه هرگاه طفل بعد از تولد گریه کند - یعنی زنده متولد شده است - سپس دفن شود، زنده به گور کردن محسوب می‌شود و زنی که جنین خود را اسقاط کرده، زنده به گور کننده محسوب نمی‌شود [مقداد سیوری ج ۲: ۳۷۵].

ب. سنت: ممنوعیت و حرمت سقط جنین توسط مادر را می‌توان از بعضی احادیث استفاده نمود:

۱- موثقه اسحاق بن عمار: «عن اسحاق بن عمار قال: قلت لابی الحسن<sup>(ع)</sup>: المرأه تخاف الجبل فتشرب الدواء فتلقى ما فی بطنها؟ قال: لا، فقلت، انما هو نطفه، فقال: ان اول ما یخلق نطفه [عاملی ج ۱۹: ۱۵]. اسحاق بن عمار گوید: به ابوالحسن<sup>(ع)</sup> عرض کردم: زن از باردار شدن می‌ترسد و دارو می‌نوشد و آنچه در شکم دارد می‌اندازد. امام فرمود: این کار را نباید بکنند. گفتیم: نطفه‌ای بیش نیست. امام<sup>(ع)</sup> فرمود: نخستین چیزی که آفریده می‌شود، نطفه است».

از این حدیث استفاده می‌شود که خوردن دارو برای سقط جنین جایز نیست و حرام است. استدلال امام<sup>(ع)</sup> به این صورت است: «ان اول ما یخلق نطفه» یعنی چون نطفه منشأ خلقت انسان

است، پس اسقاطش جایز نیست. ضمناً از این سخن امام (ع)، حرمت سقط جنین در هر مرحله‌ای که باشد استفاده می‌گردد.

۲- در روایات آمده است که هرگاه مادر موجب سقط جنین خود شود، دیه می‌پردازد و از آن دیه نیز ارث نمی‌برد. به عنوان نمونه، در صحیح ابوعبیده که مشایخ سه گانه آن را روایت کرده‌اند، آمده است: از ابوجعفر (ع) در خصوص زنی پرسیدند که دارویی نوشیده، در حالی که باردار بوده و شوهرش از این موضوع آگاهی نداشته، در نتیجه بچه‌اش سقط شده است.

امام (ع) فرمود: اگر حمل به مرحله استخوان‌بندی رسیده و گوشت بر آن روییده باشد، بر ذمه زن دیه‌ای است که باید آن را به پدر جنین بپردازد و اگر زمانی که آن را سقط کرد، علقه و یا مضغه بوده باشد، باید چهل دینار و یا غره (غلام جوان) به پدرش بپردازد. عرض کردم: آیا این زن از دیه فرزندش ارث نمی‌برد؟ امام (ع) فرمودند: خیر، زیرا وی او را کشته است، به همین دلیل از او ارث نمی‌برد [عاملی ج ۱۷: ۳۹۰].

ج. حکم عقل: از جمله اعمالی که نه تنها در گذشته بلکه در دنیای امروز نیز در میان ملل جهان با هر مذهب، فرهنگ و نژادی، به عنوان یک جرم و عمل زشت قبیح مطرح بوده و هست، سقط جنین یا حمل می‌باشد که تنها در شرایط خاصی مجاز شمرده شده است. اینک سؤالی در این زمینه مطرح می‌گردد و آن اینکه به چه علت سقط جنین در تمام دنیا و نزد همه عقلا، خردمندان و توده‌های میلیونی مردم کاری نکوهیده، زشت و مستحق مجازات شناخته شده است، به گونه‌ای که ایشان، حتی معاونان و کسانی را که در این امر، بخواهند مادر را یاری کنند قابل مجازات می‌دانند؟

به نظر می‌رسد که در کنار تعالیم مذاهب آسمانی امور دیگری نیز در قبیح دانستن این عمل دخیل بوده‌اند: ۱- جنین منشأ انسان است و از ۴/۵ ماهگی به بعد اصولاً شکل و شمایل انسان را نیز پیدا می‌کند، از این رو حرمت و احترام خاصی پیدا کرده و سقط او شبیه قتل انسان را به همراه دارد. ۲- میل به ادامه نسل، میلی فطری است و سقط جنین اقدامی علیه این میل است، لذا امری ناپسند محسوب می‌شود، در واقع حفظ جنین تا آخر مدت حاملگی وظیفه‌ای است که طبیعت و به عبارت دقیقتر پروردگار طبیعت به عهده مادران گذاشته است. ۳- آزادی سقط، بی‌بندوباری جنسی

و روابط نامشروع را به دنبال خواهد داشت و ممنوعیت آن ضامن اخلاق و استحکام خانواده خواهد بود. ۴- سقط جنین - به خصوص در گذشته - همیشه موفقیت آمیز نبوده و در نتیجه گاهی اقدامات انجام شده موجب مرگ مادر یا ناقص شدن بچه می شده است.

به هر حال بر حرمت سقط جنین در اسلام می توان چنین استدلال نمود:

سقط جنین نزد همه ملل و نحل امری ناپسند و زشت می باشد. شاهد زشت و قبیح بودن آن این است که حتی مرتکبین آن سعی می کنند آن را پوشیده نگه دارند تا نزد دیگران فاش نشود. در حقوق همه کشورهای نیز سقط جنین جرم است و جز در شرایط استثنائی و دشوار جایز نیست، بنابراین می توان گفت: سقط جنین عملی است خلاف فطرت، باطل و مشتمل بر فساد و از فواحش می باشد. پس عموماً می توان گفت که در کتاب خدا از فواحش و فساد نهی کرده اند شامل این مورد نیز می شوند مانند آیه شریفه: «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ» [انعام: ۱۵۱]. روشن است که این استدلال از غیر مستقلات عقلیه می باشد.

۲) جانی، پزشک، ماما یا فروشنده دارو و یا هر شخص دیگری است که مبادرت به سقط جنین می کند، در این حالت علاوه بر پرداخت دیه، به حبس از دو تا پنج سال نیز محکوم خواهد شد. همچنین کسانی که از کادر درمانی رسمی کشور نبوده و از افراد عادی هستند، هر گاه با این عناوین اقدام به سقط کنند، همین مجازات در مورد آنها اعمال می شود. ماده ۶۲۴ در این مورد می گوید: اگر طبیب یا ماما یا دارو فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی اقدام می کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت.

همان طور که مشخص است قانونگذار مجازاتی شدیدتر از افراد عادی برای کادر درمانی کشور مقرر کرده است. در مورد حکمت این تشدید مجازات گفته اند:

طبیب یا جراح یا ماما قسم خورده اند و به موجب آن باید حافظ نسل باشند و نه قاتل آن و مراجعه مردم به آنها ناشی از اعتمادی است که به آنان دارند، به علاوه اطلاعات و معلومات طبی آنها نیز انجام این جنایات را تسهیل می کند [یاد ج ۱: ۳۷۱].

۳) جانی و مباشر در سقط از افراد عادی می‌باشند، در این حالت نیز علاوه بر پرداخت دیه، به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شوند. ماده ۶۲۳ در این مورد می‌گوید: هرکس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد، به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد.

در رویه قضایی ایران به این سه حالت از سقط، سقط جنین جنایی گویند که در مقابل آن سقط جنین طبی، ضربه‌ای و خود به خودی قرار دارد [گودرزی ۱۳۸۰: ۳۰۷].

۴) سقط جنین ضربه‌ای: جانی، عالماً و عامداً از طریق ضرب یا اذیت و آزار زن باردار موجب سقط جنین شود، در این حال مطابق ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص، حسب مورد به حبس از یک تا سه سال نیز محکوم خواهد شد.

همان‌طور که مشخص است این ماده مبهم می‌باشد و دو احتمال در معنای آن وجود دارد: احتمال اول: مراد آن است که چنین جانی‌ای در صورتی که سقط پیش از ولوج روح (۴/۵) یا ۵ ماهگی) باشد، به پرداخت دیه و حبس از ۱ تا ۳ سال محکوم می‌گردد و اگر در جنین روح دمیده شده باشد به قصاص محکوم می‌گردد. پس مراد از قصاص، قصاص جانی است به خاطر جنایتی که بر جنین وارد کرده است چنان که ماده ۹۱ قانون تعزیرات سابق مصوب سال ۱۳۶۲ به این امر تصریح کرده بود که اسقاط جنین پس از ولوج روح موجب قصاص است.

احتمال دوم: مراد از قصاص، قصاص جنایتی است که جانی بر مادر وارد کرده است. به نظر ما به دلایل زیر، ماده ۶۲۲ باید حمل بر معنای دوم شود:

۱- برخی از فقها مانند آیت الله گلپایگانی [کرمی: ۵۴]، آیت الله خوئی [موسوی خوئی ج ۲: مسأله ۵۱۳: ۳۹۳] و دیگران سقط جنین را مستوجب قصاص نفس نمی‌دانند. بنابراین حمل ماده، بر این معنی مغایرتی با موازین اسلامی ندارد.

۲- در قوانین موضوعه، تصریح به قصاص نشده است و ماده ۹۱ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۱ نیز که صراحت دارد، قانونی موقت بوده و عصر آن سپری شده و بلکه با تسامح می‌توان گفت قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ آن را نسخ کرده است.

۳- مجازات حبس در این ماده پس از عبارت «پرداخت دیه یا قصاص» آمده است، بنابراین باید به همراه هر دو اعمال شود. یعنی بعضی اوقات جانی، به پرداخت دیه و حبس محکوم خواهد شد و برخی اوقات نیز به قصاص همراه با حبس (مانند زمانی که به منظور اسقاط جنین با چاقو به زن حامله ضربه‌ای وارد کرده است). در این مورد، به ناچار باید مراد از قصاص، قصاص عضو باشد، به دلیل جنایت بر مادر، نه قصاص نفس به خاطر سقط جنین پس از ولوج روح، زیرا مجازات حبس با جزای نقدی و شلاق جمع می‌شود، ولی با اعدام و قصاص نفس قابل جمع نیست. بلکه اگر ماده ۶۲۲ بدین صورت تنظیم شده بود: «... علاوه بر قصاص یا دیه به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد» این اشکال وارد نبود و مجازات حبس فقط اختصاص به دیه داشت.

۴- اگر مجازات ضرب و جرح عمدی منجر به سقط جنین، پس از ولوج روح، قصاص بوده باشد، مجازات مادری که مباشرتاً اقدام به سقط جنین کرده یا پزشک و مامایی که اقدام به سقط جنین کرده است، نیز باید قصاص باشد (چنانکه ماده ۹۱ تعزیرات سابق نیز بدین امر تصریح کرده بود)، زیرا ملاک در تشخیص جنایات عمدی، شبه عمدی و خطای محض در همه حالات فوق یکی است. در حالی که ماده ۴۸۹ و ۶۲۴ برای مادر دیه و برای پزشک یا ماما دیه همراه حبس مقرر کرده است، بنابراین در اینجا نیز مجازات او دیه همراه حبس خواهد بود.

۵- اصل احتیاط در دماء و قاعده تفسیر مضیق قوانین کیفری نیز اقتضا دارند که این ماده را حمل بر احتمال دوم کنیم.

### سقط جنین و احکام آن نزد اهل سنت

هر چند ماده ۶۲۲ برگرفته از فتوای بعضی فقهای امامیه است، لکن پیش از ذکر مبانی فقهی این ماده از کتب امامیه، نظری به آرای برادران اهل سنت می‌اندازیم:

به نظر اهل سنت هرگاه زن بارداری مورد ضرب یا اذیت و آزار و غیر آن قرار گرفته و جنین خود

را سقط کند، این اسقاط جنین ممکن است به دو صورت اتفاق بیافتد، حالت اول این است که جنین به صورت مرده سقط شود. در این جا جانی باید دیه بدهد و دیه آن اعم از آن که پسر باشد یا دختر، عمد باشد یا خطا، در هر حال یک غره یعنی عبد یا کنیز جوان است (قیمت غره پنج شتر یا ۵۰ دینار می باشد) [زحیلی ۱۹۹۷ ج ۷: ۵۷۷۱].

حنفیه تصریح کرده اند اگر مادر، جنین خود را با خوردن دارو، یا انجام کاری و بدون اذن شوهر سقط کند، در این صورت پرداخت غره برعهده عاقله او خواهد بود و اگر از روی عمد نبوده باشد یا در انجام آن اذن شوهر را داشته باشد، غره نیز لازم نیست زیرا کار خلافی نکرده و تعدی صورت نگرفته است، در حالی که در این حالت سایر فقها، پرداخت غره را به عنوان دیه واجب کرده اند [زحیلی ۱۹۹۷ ج ۷: ۵۷۷۳].

شافعیه و حنابله علاوه بر دیه، پرداخت کفاره را نیز واجب می دانند، در حالی که حنفیه و مالکیه می گویند: بر ضارب کفاره ای نیست ولو اینکه جنین به صورت تام الخلقه سقط شده باشد. آری پرداخت کفاره مستحب است.

حنفیه در مورد سن جنین می گویند پرداخت غره از زمانی لازم است که بعضی از اعضا از قبیل ناخن یا مویز ظاهر شده باشد ولی سایر مذاهب گویند از حالت «مضعغ» به بعد، غره به آن تعلق می گیرد و قبل از آن چیزی برعهده ضارب نیست [زحیلی ۱۹۹۷ ج ۷: ۵۷۷۴].

بنابر اصح اقوال نزد شافعیه و نیز نزد حنفیه و حنابله جنایت بر جنین به صورت عمدی تحقق نمی یابد بلکه شبه عمد یا خطا خواهد بود. زیرا وجود جنین و حیاتش در هنگام جنایت برای جانی معلوم نیست تا قصد آن را کرده و جنایت به صورت عمدی محقق شود، در مقابل ایشان مالکیه می گویند جنایت بر جنین به صورت عمدی نیز ممکن است اتفاق بیافتد [زحیلی ۱۹۹۷ ج ۷: ۵۷۷۵].

حالت دوم این است که به دنبال ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، جنین به صورت زنده متولد شود ولی قابلیت بقا نداشته باشد و بمیرد. در این حال مالکیه گفته اند که اگر این جنایت عمدی باشد قصاص واجب می گردد و در غیر این صورت دیه واجب است. ولی حنفیه، حنابله و اصح اقوال نزد شافعیه آن است که دیه کامل واجب است و نه قصاص [زحیلی ۱۹۹۷ ج ۷: ۵۷۷۵].

## مبانی فقهی ماده ۶۲۲

در مورد کیفر سقط جنین عمدی، پس از ولوج روح، دو نظر در بین فقهای امامیه دیده می‌شود:

الف. بعضی قائل به قصاص هستند، محقق حلی در *شرایع الاسلام* می‌گوید:

«ولو ضربها فالقته، فمات عند سقوطه، فالضارت قاتل يقتل ان كان عمداً،  
ویضمن الدیه فی ماله ان كان شیبها ویضمنها العاقله ان كان خطأ و کذا  
لو بقی ضمناً ومات او وقع صحیحاً وکان ممن لا یعیش مثله و تلزمه الکفاره  
فی کل واحده من هذه الحالات ولو القته حیاً فقتله آخره، فان كانت حیاته  
مستقره، فالثانی قاتل ولا ضمان علی الاول و یعزّر وان لم یکن مستقره، فالاول  
قاتل و الثانی آثم یعزّر لخطاه، ولو جهل حاله حین ولادته قال الشیخ: سقط  
القود للاحتمال و علیه الدیه [محقق حلی ۱۹۸۳ ج ۴: ۲۸۳].»

اگر شخصی زن حامله را بزند و جنین او سقط شود و با سقط جنین بمیرد، ضارب قاتل است. حال اگر ضرب از روی عمد بوده باشد، کشته می‌شود و اگر شبه عمد باشد، دیه را باید از مال خود پردازد و اگر خطایی - غیر عمد - باشد، عاقله ضامن است و این چنین است اگر مدتی بیمار بماند و سپس بمیرد یا سالم متولد شود لکن به گونه‌ای باشد که امثال او زنده نمانند، جانی در همه حال باید کفاره بدهد.

و اگر جنین زنده به دنیا بیاید و دیگری آن را بکشد، در صورتی که حیاتش مستقره بوده باشد، دومی قاتل است و اولی ضامن دیه نخواهد بود لکن تعزیر می‌شود، اما اگر حیات جنین مستقره نباشد، اولی قاتل است و دومی گناهکار است و به خاطر خطایش (جرم‌ش) تعزیر می‌گردد.

علامه حلی در *تبصره و فخرالمحققین در ایضاح* [فخرالمحققین ج ۴: ۷۲۷] نیز همین قول را برگزیده‌اند. در *تبصره* آمده است که هرگاه شخصی زن حامله‌ای را بزند و زن جنین را سقط کند، در حالی که زنده بوده و به همین علت بمیرد، در صورتی که عمل وی عمدی باشد بدین سبب کشته می‌شود و در صورتی که عمدی نباشد از او دیه گرفته می‌شود [علامه حلی ۱۴۱۰: ۲۱۷].

صاحب *جوهر* در این مورد می‌گوید: «ضارب باید قصاص شود زیرا موضوع قصاص که ازهاق روح محترمه باشد، محقق شده است» ایشان هم چنین بر خلاف بعضی عامه که در مورد

قصاص تفصیل داده‌اند بین موردی که حیات جنین در هنگام سقط مستقره باشد یا غیر مستقره، تفاوتی قائل نشده و می‌گویند که این نظر با اطلاق ادله‌ای که مقتضی قصاص در صورت یقین به حیات و از بین رفتن حیات در نتیجه جنایت است، منافات دارد [نجفی ج ۴۲: ۳۸۱].

ظاهراً مقصود صاحب *جوهر* از ادله همان عمومات قصاص است که در کتاب و سنت وارد شده است. مانند «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ» [بقره: ۱۷۸]؛ زیرا ما به ادله‌ای که در خصوص این مورد وارد شده باشد، دست نیافتیم.

علاوه بر این گروه از فقها که به این موضوع تصریح کرده‌اند، از ظاهر عبارت بعضی دیگر نیز برمی‌آید که ایشان با این فتوی موافقت، برای نمونه می‌توان از سلار دیلمی در *المواسم العلویه* یاد کرد که می‌گوید: «واعلم ان الحامل اذا قتلت فهی علی ضربین: احدهما یکون حملها تاماً کاملاً فتقتل بقتله والآخر لایکون كذلك، فغیر التام الکامل علیها الدیه ... فان شربت المرأه دواء فالقت جنینها لزمها ما ذکرناه فان القت ما ولجت فيه الروح فعليها ديه کامله [سلار دیلمی: ۱۴۶]؛ یعنی هرگاه زن بارداری جنین خود را بکشد، دو حالت خواهد داشت، حالت اول آن است که حملش تام‌الخلقه باشد، در این حال، این زن کشته می‌شود، حالت دوم آن است که جنین او تام و کامل نیست، در این وضعیت بر زن واجب است که دیه او را بدهد. ایشان در ادامه می‌گویند: اگر زن دارویی بنوشد و جنین خود را سقط کند، دیه آن را باید مطابق آن چه گفتیم بدهد و اگر روح در جنین دمیده شده باشد، باید دیه کامل بدهد.

ب. بعضی دیگر از فقها معتقدند دیه در این هنگام واجب می‌شود، برای نمونه آیت الله خویی می‌گویند: در صورتی که زن حامله‌ای را بزنند، در نتیجه حملش سقط شود و حمل وی بمیرد، ضارب قاتل است و مشهور فقها بر این عقیده‌اند که در صورتی که عمل وی عمدی بوده و قصد قتل جنین را داشته باشد، قصاص او واجب است ولی این نظر اشکال دارد و اقرب، عدم قصاص نامبرده است و دیه بر او واجب می‌شود... و همچنین است اگر حمل بعد از خروج، مدتی زنده بماند و بعد بمیرد و یا اینکه سالم سقط شده باشد اما مانند آن عادتاً زنده نماند مانند موردی که کمتر از شش ماه دارد [موسوی خویی ج ۲: ۴۱۸].

آیت الله گلپایگانی از فقهای معاصر در این مورد می‌گویند: «اسقاط عمدی جنین، بعد از ولوج روح، موجب دیه برجانی است و قصاص ندارد» [کرمی: ۵۴].

ما به دلایل زیر قول اخیر یعنی عدم قصاص را برمی‌گزینیم:

۱- عمده دلیل قائلین به قصاص عبارت است از: عمومات و اطلاقات ادله قصاص. به این معنی که ادله قصاص مثل «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ» [بقره: ۱۷۸] و «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» [بقره: ۱۷۹] و «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا» [اسراء: ۳۳] و «كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ» [مائده: ۴۵] و نظایر این ادله که درست آمده است، با عموم و اطلاقشان چنین موردی یعنی جنین پس از ولوج روح را نیز شامل می‌شود. زیرا جنین پس از ولوج روح، انسان است.

جواب: استدلال یادشده باطل است زیرا اولاً در صدق نفس محترمه و واژه انسان با اطلاقش بر جنین تردید وجود دارد، ثانیاً به فرض که لفظ «انسان» بر جنین پس از ولوج روح صدق کند، لکن ادله قصاص انصراف دارند به انسانی که از مادر به صورت زنده متولد شده است، بنابراین شامل سقط جنین و حمل نمی‌شوند.

تعبیری که در این ادله آمده است از قبیل: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا» و نیز شرایطی که برای قصاص ذکر شده است از قبیل حریت، دین و کمال عقل [علامه حلی ۱۴۱۰: ۲۷۶] و نظایر اینها از اموری می‌باشند که در مورد جنین قابل تصور نیستند مگر به تبع والدین، و نیز توجه بدین معنا که برای از بین بردن جنین معمولاً لفظ «سقط» و «اجهاض» اطلاق می‌شود نه «قتل»، اینها و نظایر آن، از جمله اموری هستند که موجب این انصراف می‌شوند و روشن است که با وجود انصراف، مقدمات حکمت برای اخذ به اطلاق کلام فراهم نیست.

۲- می‌دانیم که در باب قصاص تفاوتی بین مادر و غیر او نیست و تفصیلی نیز در مورد ضرب یا خوردن دارو و نیز سایر عوامل کشنده داده نشده است، رضایت یا عدم رضایت مادر نیز مدخلیتی در حکم به عمدی یا غیر عمدی بودن جنایت یاد شده ندارد، از این رو اگر مجازات ضاربی که به قصد سقط، زنی را زده است، قصاص بوده باشد، باید مجازات مادری که با خوردن دارو اقدام به

سقط جنین خود می‌کند هم، قصاص باشد، درحالی که مستفاد از روایات اهل بیت علیهم السلام آن است که هرگاه زنی اقدام به سقط کند، محکوم به پرداخت دیه خواهد شد و از آن دیه نیز سهمی نمی‌برد [عاملی ج ۱۹: ۲۴۲]. همه اصحاب امامیه نیز این روایات را تلقی به قبول کرده و براساس آن فتوی داده‌اند. حال این سؤال مطرح می‌گردد که چرا باید این مورد، خلاف قاعده باشد، حقیقت آن است که خلاف قاعده نیست بلکه اصولاً سقط جنین غیر از قتل انسانی است که از مادر متولد شده است.

۳- از اطلاق و عموم بعضی روایات برمی‌آید که مجازات ضارب، دیه است نه قصاص، لازم است به پاره ای از این روایات نظری افکنیم.

الف. عن سعید بن المسيّب، قال: سألت علی بن الحسین (ع) عن رجل ضرب امرأة حاملاً برجله فطرح ما فی بطنها میّتاً، فقال:

ان كان نطفه فانّ عليه عشرين ديناراً، قلت: فما حد النطفه؟ فقال: هي التي اذا وقعت في الرحم فاستقرت فيه اربعين يوماً، وان طرحته وهو علقه فانّ عليه اربعين ديناراً، قلت: فما حدّ العلقه؟ قال: هي التي اذا وقعت في الرحم فاستقرت فيه ثمانين يوماً قال: وان طرحته وهو مضغه فانّ عليه ستين ديناراً، قلت: فما حدّ المضغه؟ فقال: هي التي اذا وقعت في الرحم فاستقرت فيه مائه و عشرين يوماً، قال وان طرحته وهو نسمة مخلّقه له عظم ولحم (مرتّب) منزّيل الجوارح قد نفخت فيه روح العقل فانّ عليه ديه كامله [عاملی ج ۱۹: ۲۴۰].

سعید بن مسیب گوید: از امام زین العابدین (ع) در رابطه با مردی سؤال نمودم که زن بارداری را با لگد زده بود و در نتیجه حمل او به صورت مرده سقط شده بود، امام (ع) فرمودند:

سقط او اگر نطفه بوده باشد، بیست دینار باید بدهد، گفتیم: در چه زمانی نطفه است، فرمودند: پس از آن که چهل روز از استقرار آن در رحم بگذرد. و اما اگر علقه سقط کرده باشد بر اوست که چهل دینار بدهد. گفتیم: در چه زمانی علقه است؟ فرمودند: پس از آن که ۸۰ روز از استقرار آن در رحم بگذرد. امام (ع) فرمودند: و اگر مضغه سقط کرده باشد، بر اوست که ۶۰ دینار بدهد، گفتیم: در چه زمانی مضغه است؟ فرمودند: پس از آن که ۱۲۰ روز از

استقرار آن در رحم بگذرد. امام (ع) فرمودند: و اگر جنین سقط شده موجودی باشد که گوشت و استخوان پیدا کرده و اعضا و جوارح آن متمایز شده و روح عقل در آن دمیده شده باشد بر اوست که دیه کامل بدهد.

ب. عن سلیمان بن خالد، عن ابی عبدالله (ع): ان رجلاً جاء الی النبی (ص) و قد ضرب امرأه حبلی فاسقطت سقطاً میتاً فاتی زوج المرأه الی النبی (ص) فاستعدی علیه، فقال الضارب: یا رسول الله ما اکل و لا شرب و لا استهل و لا صاح و لا استبش (استبشر) فقال النبی (ص): انک رجل سجاعه، فقضی فیہ رقبه [عاملی ج ۴: ۲۴۳].

سلیمان بن خالد از امام صادق (ع) روایت کرده است که مردی زن حامله ای را بزد و در نتیجه بچه آن زن به صورت مرده سقط شد، وی نزد پیامبر (ص) رفت، شوهر آن زن نیز آمد و علیه او به پیامبر شکایت کرد، ضارب گفت: موجودی سقط شده که نه می توانست غذا بخورد و نه آنکه چیزی بنوشد، در هنگام سقط نیز گریه نکرد، فریاد نزد، خنده نیز نکرد. پیامبر (ص) فرمودند: تو شاعری و مطالبی که می گویی شبیه شعر است، و حکم کرد به اینکه بنده ای (به عنوان دیه) به او بدهد.

همان طور که مشخص است هر دو حدیث یاد شده هر چند صراحت در سقط جنین عمدی ندارند ولی با اطلافتشان شامل هر دو حالت عمد و غیر عمد می شوند و معصوم (ع) در مورد چنین ضاربی حکم به قصاص نکرده بلکه دیه مقرر کرده اند.

حدیث شماره ۳ و ۵ و ۱۰، ص ۲۴۱، جلد ۱۹ وسائل الشیعه، نیز از حیث دلالت نظیر احادیث بالا هستند.

۴- باتوجه به آنچه گفته شد و نیز با عنایت به این مطلب که آیات و روایات تصریح به قصاص ضارب در هنگام سقط جنین عمدی ندارند، حداقل نسبت به قصاص چنین فردی شک داریم، بنابراین، نوبت به عرض اندام قواعدی می رسد که در موارد شک و اشتباه جاری می گردد. در این موارد اصل احتیاط در دماء که از اصول پذیرفته شده و محکم فقه اسلامی است و نیز قاعده درء الحدود، مقتضی عدم قصاص هستند. در پایان پیشنهاد می شود که ماده ۶۲۲ به نحو زیر مورد اصلاح واقع شود:

ماده ۶۲۲ پیشنهادی: هر کس عالماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه، به حبس از ۲ تا ۵ سال محکوم خواهد شد.

### منابع

- قرآن کریم.
- امام خمینی، روح الله. (۱۳۹۰ ه. ق.). *تحریر الوسيله*. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- یاد، ابراهیم. *حقوق کیفری اختصاصی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ دوم.
- جبعی العاملی، زین الدین. *الروضه البهیة*. بیروت: دار العالم اسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. *ترمیمولوژی حقوق*. تهران: انتشارات گنج دانش.
- زحیلی، وهبه. (۱۹۹۷). *الفقه الاسلامی و ادلته*. دمشق: دارالفکر. چاپ چهارم.
- سالدر، تی. (۱۳۶۷). *جنین شناسی پزشکی لاتمن*. مترجم: ماندانا اعرابی و فرید رئیس زاده. تهران: مؤسسه انتشاراتی تیمورزاده. چاپ اول.
- سلار دیلمی، ابن علی حمزه بن عبدالعزیز. *المواسم الملویه*. چاپ شده در مجموعه النبیایع الفقهیه.
- شریعتی، محمد تقی. *تفسیر نوین*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- *صحیفه امام*. (۱۳۷۸). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن. *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. چاپ شده در مجموعه سلسله النبیایع الفقهیه.
- عاملی، شیخ حر. (۱۳۹۸). *وسائل الشیعه*. تهران: المكتبة الاسلامیه. چاپ پنجم.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۰). *تبصره المتعلمین فی احکام الدین*. قم: منشورات دارالذخائر.
- فخرالمحققین. *ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد*.
- کرمی. *مجموعه استفتائات راجع به قتل*.
- گودرزی، فرامرز و کیانی، مهرزاد. (۱۳۸۰). «اصول طب قانونی و مسمومیت‌ها». روزنامه جمهوری اسلامی.
- محقق حلّی، ابوالقاسم نجم الدین. (۱۹۸۳). *شرایع الاسلام*. بیروت: دارالاضواء.
- مقداد سیوری، جمال الدین. *کنز العرفان فی فقه القرآن*. المكتبة المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- مکارم شیرازی، ناصر. *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲). *مبانی تکملة المنهاج*. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- نجفی، شیخ محمد حسن. (۱۳۶۳). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ دوم.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.